

10513-95
1-81K-95

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 10513

Date of filing: 20th Jun 88.

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 20th Jun 88.
_____ pages in English 10. pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
AWARD
Case No. 10513
Chamber Two

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحد

پرونده شماره ۱۰۵۱۳

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۱۰۵۱۳ - ۳۷۲



لینن، فورتینبری اند اسوشییتس اینک،

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، مطروح توسط

ایالات متحده امریکا،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران، و

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

(سابقاً "وزارت اطلاعات و جهانگردی")،

خواندگان.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده	
ثبت شد - FILED		
Date	28 JUN 1988	تاریخ
	۱۳۶۷ / ۴ / ۷	
No.	10513	شماره

حکم

حاضران:

از جانب خواهان: آقای متیو اچ. ادلر،

وکیل مشاور

وزارت خارجه ایالات متحده،

آقای مایکل اف. رابوین،
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده امریکا،
آقای سی. لین فورتینبری،
نماینده خواهان،
آقای فیلیپ آر. مک نایت،
وکیل خواهان.

از جانب خواننده : آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
آقای علی حیرانی نوبری،
قائم مقام نماینده رابط،
آقای اکبر شیرازی،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای محسن آزاده،
دستیار مشاور حقوقی،

سایر حاضران : آقای تیموتی ای. ریمیش،
نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

اول - مقدمه

۱ - در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]، ایالات متحده آمریکا دادخواستی به ثبت رساند که در آن ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار لینن فورتینبری اند اسوشییتس اینک. ("خواهان") را، علیه جمهوری اسلامی ایران، و به ویژه، وزارت اطلاعات و جهانگردی، که اکنون به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موسوم است ("خوانده" یا "وزارتخانه")، مطرح کرد. خواهان مبلغ ۱۱۸،۶۷۵/۰۸ دلار آمریکا (۱) خسارت می‌خواهد که حسب ادعا از نقض قراردادی بین او و خوانده ناشی شده است، که طبق آن قرار بود خواهان از ماه مه ۱۹۷۸ تا آوریل ۱۹۷۹ خدمات روابط عمومی برای دولت ایران در ایالات متحده ارائه کند. خوانده مدعی است که خواهان تعهدات قراردادی خود را انجام نداده و در هر صورت با توجه به ماهیت قرارداد و عدم انطباق آن با سیاستهای دولت جدید انقلابی اجرای آن غیرممکن گردید. علاوه براین، خوانده به دلیل عدم اجرای قرارداد نیز ادعای متقابلی به مبلغ ۱۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا، که حسب ادعا به خواهان پرداخته، ثبت کرده است.

۲ - استماع این پرونده در ۱۷ اسفند ماه ۱۳۶۶ [هفتم مارس ۱۹۸۸] برگزار شد.

دوم - رویدادها

الف - ادعا

۳ - در سال ۱۹۷۸، خواهان لینن فورتینبری اند اسوشییتس اینک، یک شرکت امریکایی،

(۱) در دادخواست اولیه مبلغ ۱۴۵،۰۰۰ دلار خسارت مطالبه شده بود. این مبلغ در لوایح بعدی خواهان، به ۱۶۳،۶۷۵/۰۸ دلار آمریکا افزایش یافت. در جلسه استماع، خواهان میزان خسارت مورد ادعا را به ۱۱۸،۶۷۵/۰۸ دلار کاهش داد. (رجوع شود به زیرنویس ۲ زیر).

قراردادی با وزارت اطلاعات و جهانگردی وقت ایران منعقد ساخت که طبق آن قرار بود وی در زمینه روابط عمومی یک طرح تبلیغاتی را تهیه کرده و از طریق آن وجهه ایران را در ایالات متحده بالا برد و به ویژه جامعه بازرگانی و سیاسی ایالات متحده را از دستاوردهای ملت و دولت وقت ایران آگاه سازد.

۴ - تماس اولیه که بعداً به تنظیم قرارداد منجر شد، در اکتبر ۱۹۷۷ بین جمشید آموزگار، نخست وزیر ایران، و جیمز لینن، مالک منحصر خواهان، به عمل آمد که بدنبال آن آقای لینن نامه‌ای به نخست وزیر نوشت و همراه آن پیشنهادی حاوی برنامه‌ای برای مطبوعات و رسانه‌ها به منظور اعتلای وجهه ایران در ایالات متحده ارسال کرد.

۵ - در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۵۶ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۷] نخست وزیر پاسخ مساعدی به پیشنهاد اکتبر آقای لینن نوشته، از وی دعوت کرد نماینده‌ای برای بررسی جزئیات موافقت نامه به ایران اعزام دارد. رئیس خواهان، آقای سی. لین فورتینبری، در فوریه ۱۹۷۸ به منظور انجام مذاکراتی با نخست وزیر و مقامات وزارتخانه به ایران رفت. به عقیده خواهان، بر اثر این مذاکرات انجام دو طرح جداگانه به او واگذار شد: بررسی روش مطبوعات ایالات متحده در مورد ایران، و برنامه رسانه‌ها و ارتباطات که قرار بود در ایالات متحده اجرا شود. خواننده وجود قرارداد جداگانه‌ای جهت بررسی روش مطبوعات آمریکا رد و ادعا می کند که قرارداد برنامه ارتباطات این طرح را نیز در برمی گرفت.

۶ - خواهان برنامه مشروح خود را در مورد ارتباطات همراه نامه مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۸ [پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷] آقای لینن به آقای همایون، وزیر اطلاعات و جهانگردی، تسلیم کرد. در آن نامه پیشنهادهایی راجع به عرضه اطلاعات درباره ایران، هم به رسانه‌های خبری و جامعه بازرگانی ایالات متحده و هم به اتباع

امریکایی مقیم ایران خلاصه شده بود که خطوط اصلی یک برنامه تبلیغات تلویزیونی را نیز در برمی گرفت. بررسی کامل روش مطبوعات امریکا پیوست نامه تسلیمی به وزیر اطلاعات بود. در همان روز، یعنی در پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۵ آوریل ۱۹۷۸]، آقای لینن بررسی روش مطبوعات را طی نامه‌ای، به آقای آموزگار، نخست وزیر، تسلیم کرد.

۷ - در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۷ [ششم مه ۱۹۷۸] آقای آموزگار، نخست وزیر، و آقای همایون، وزیر اطلاعات، به مذاکرات خود با آقای لینن و آقای فورتینبری در تهران ادامه دادند. در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ [دهم مه ۱۹۷۸]، آقای لینن دو نامه برای آقای همایون وزیر اطلاعات فرستاد. در نامه اول هفت برنامه مشخص که قرار بود در برنامه رسانه‌ها تکمیل شود، شناسایی شده بود. در نامه دوم شرایط موافقت نامه پیشنهادی که ظاهراً از مذاکرات ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۶ مه ۱۹۷۸] تهران حاصل شده بود، ذکر گردیده بود.

۸ - پیشنهاد مندرج در نامه مورخ ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [دهم مه ۱۹۷۸] حاوی این شرایط بود که قرارداد باید از ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ تا دهم اردیبهشت ۱۳۵۸ [اول مه ۱۹۷۸ الی ۳۰ آوریل ۱۹۷۹] جریان می یافت و سپس خود به خود قابل تمدید بود، مگر آنکه یکی از طرفین با اختطاری ۳۰ روزه آن را فسخ می کرد. قرار بود خواهان ماهانه حق الزحمه‌ای به مبلغ ۱۵،۰۰۰ دلار امریکا، که بصورت سه ماهه و پیشاپیش، قابل پرداخت باشد، دریافت کند و در پایان هر سه ماه نیز هزینه‌های سفر، تلفن، تلکس و پذیرایی گذشته (بدون لزوم تصویب قبلی) صورتحساب شود ولی نباید از ۷۵،۰۰۰/- دلار امریکا در سال تجاوز کند. در زیر نامه حاوی پیشنهاد جایی مناسب برای وزیر اطلاعات در نظر گرفته شده بود که قبولی خود را اعلام کند.

۹ - اما آقای همایون، وزیر اطلاعات، شخصاً بانوشتن پاسخی به آقای لینن مراتب قبولی

خود را اعلام کرد. وی در نامه مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ [پنجم ژوئن ۱۹۷۸]، به نامه مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ [دهم مه ۱۹۷۸] خواهان اشاره کرده و متذکر شد:

به من اجازه و اختیار داده شده است که موافقت نامه خود را به جریان انداخته از شما درخواست کنم که کار را ادامه دهید.

وی همچنین متذکر شد که نامه خواهان راجع به توافق طرفین در مورد انتشار جزوه‌ای در باره ایران باید تصحیح شود.

۱۰ - در همان حال، در چهارم خرداد ۱۳۵۷ [۲۵ مه ۱۹۷۸] یا مقارن آن، خواهان مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا از وزارتخانه دریافت کرد که بنا به اظهار وی، حق‌الزحمه بررسی روش مطبوعات ایالات متحده بود. خواننده استدلال می‌کند که پرداخت مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار آمریکا، قسط اول قرارداد برنامه رسانه‌ها بود.

۱۱ - نشستهای بعدی از ۲۶ تیر ماه تا ششم مرداد ماه ۱۳۵۷ [۱۷ تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸] در تهران برگزار شد. آقای فورتینبری که نمایندگی خواهان را برعهده داشت گزارشی برای آقای همایون، وزیر اطلاعات، تهیه کرد که در آن فعالیتهای خواهان تا آن تاریخ تشریح شده بود. در این گزارش از نشستهایی که با شخصیتهای بازرگانی، رسانه‌های خبری، علمی و سیاسی در ایالات متحده برگزار شده بود و یا قرار بود برگزار شود، تماس با کارکنان سفارت ایران در واشنگتن و طرحهای تحت بررسی یاد شده بود. در گزارشی که بعداً آقای فورتینبری به آقای لینن تسلیم کرد ذکر شده بود که واکنش وزیر در مورد کوششهای خواهان تا آن تاریخ مساعد بوده و طرحهای خواهان برای آینده را تایید کرده است. در این طرحها برنامه‌ای برای تهیه چهار مقاله توسط نویسندگان مستقل در مورد توان نظامی، آموزش و پرورش، سیاست نفتی، پیشرفتهای اقتصادی، بهداشت و رفاه عمومی در ایران در نظر گرفته شده، و قرار بود در جزوه "تیمرخ ایران" با تیراژ

پیش بینی شده بیست تا سی هزار نسخه چاپ شود. آقای فورتینبری بعداً" در سپتامبر ۱۹۷۸ جلسه‌ای با دکتر سعادت، عضو وزارت اطلاعات، تشکیل داد که در پی آن آقای فورتینبری گزارش وضعیتی به تاریخ ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۷ [۲۲] سپتامبر ۱۹۷۸] راجع به پیشرفت خواهان [در انجام کارهای مربوط به] قرارداد تهیه کرد. در این گزارش از ارتباط و تماس نزدیک بین خواهان و کارکنان سفارت [ایران] در ایالات متحده یاد شده است.

۱۲ - خواهان اظهار می دارد که در پاییز ۱۹۷۸، نوع خدماتی که وی طبق قرارداد انجام می داد تغییر کرد به این صورت که آقای زاهدی، سفیر ایران در ایالات متحده، و مقامات مطبوعاتی سفارت از وی هر روز درخواست کمک می کردند، زیرا به تدریج که حکومت شاه به گونه^۶ روز افزونی در معرض حمله قرار می گرفت، علاقه به ایران و درخواست اطلاعات در مورد آن کشور افزایش می یافت. در نوامبر ۱۹۷۸، خواهان نشستی با حضور شخصیتهای برجسته بازرگانی ایالات متحده، در نیویورک تشکیل داد تا آنها را در جریان اوضاع جاری ایران قرار دهد. هم آقای لینن و هم آقای فورتینبری از مسئول امور مطبوعاتی سفارت ایران یادداشت تشکر آمیزی دریافت کردند. به نظر می رسد که در این دوره کوششهای خواهان بجای آنکه صرف پروژه‌های دراز مدتی بشود که بدو" در قرارداد پیش بینی شده بود، منحصر" مصروف کمک روزانه به سفارت می شد.

۱۳ - خواهان اظهار می دارد که وی بر طبق قرارداد تا پنجم بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۵] ژانویه ۱۹۷۹] به کار خود ادامه داد. وی در آن تاریخ تلگرافی از آقای سیروس آموزگار، وزیر جدید اطلاعات، خطاب به آقای لینن دریافت کرد که در آن اعلام شده بود که قرارداد:

به علت عدم اجرایش در طی چهار ماه گذشته، از درجه اعتبار

ساقط و کان لم یکن تلقی می شود."

۱۴ - خواهان اظهار می دارد که در پاسخ به این تلگراف با مسئول امور مطبوعاتی سفارت ایران در واشنگتن که خواهان طی ماههای گذشته با او کار کرده بود، تماس گرفت، و شخص مزبور و آقای زاهدی، سفیر، به خواهان گفتند که تلگراف را نادیده انگارد. خواهان اظهار می دارد که وی سپس به اجرای قرارداد ادامه داد. در جلسه استماع آقای فورتینبری اظهار داشت که پس از ژانویه ۱۹۷۹، کار او عمدتاً عبارت از پاسخ دادن به تلفنهای متعددی بود که از طرف مطبوعات می شد. وی همچنین اظهار داشت که پس از اوایل فوریه، سفارت ایران با کارکنان جدیدی که از طرف دولت انقلابی منصوب شده بودند، دیگر کمکی از خواهان نخواست. فزون براین، خواهان نامه ای به تاریخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ [۱۱ آوریل ۱۹۷۹] از سفارت دریافت کرد که در آن بار دیگر به وی اطلاع داده شده بود که قرارداد "بی اعتبار و فاقد ارزش اعلام شده است...".

۱۵ - خواهان، با ذکر اینکه قرارداد تا قبل از دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۳۰ آوریل ۱۹۷۹] قابل فسخ نبود، حق الزحمه مابقی دوره ثابت یکساله قرارداد را که قابل پرداخت بود، مطالبه می کند. طبق قرارداد خواهان حق داشت در هر سه ماه مبلغ ۴۵،۰۰۰/- دلار آمریکا که پیشاپیش قابل پرداخت بود، دریافت کند. چهار صورتحساب، به تاریخهای هشتم ژوئن، اول اوت، اول نوامبر ۱۹۷۸ و اول فوریه ۱۹۷۹ (۱۸ خرداد، دهم مرداد، دهم آبان ماه و ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) برای خواننده فرستاده شد و دو قسط هر یک به مبلغ ۴۵،۰۰۰/- دلار آمریکا به ترتیب در تاریخهای هشتم و دهم شهریور ۱۳۵۸ [۳۰ اوت و اول سپتامبر ۱۹۷۹] دریافت گردید(۲). در نتیجه، خواهان بابت دو صورتحسابی که پرداخت نشده، طبق قرارداد مبلغ ۹۰،۰۰۰/- دلار آمریکا مطالبه می کند.

(۲) پرداخت صورتحساب دوم در جلسه استماع پرونده به اطلاع دیوان رسید و به کاهش مبلغ خواسته انجامید. (رجوع شود به زیر نویس شماره ۱ بالا)

۱۶ - خواننده منکر آن نیست که نوعی ترتیب قراردادی بین طرفین موجود بوده است. نامبرده اظهار می‌دارد که وی طبق قرارداد برنامه رسانه‌ها، نه مبلغ ۹۰,۰۰۰/- دلاری که خواهان اعتراف به دریافت آن کرده، بلکه مبلغ ۱۴۰,۰۰۰/- دلار آمریکا پرداخته است. خواننده رقم بالاتر را بدین ترتیب به دست می‌آورد که ادعا می‌کند مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار پرداختی به خواهان در مه ۱۹۷۸ طبق قرارداد برنامه رسانه‌ها صورت گرفته است. خواننده دفاع خود (و نیز ادعای متقابل خود برای بازیافت مبلغ پرداختی، رجوع شود به بند ۱۸ زیر) را بر پایه این نظر می‌نهد که خواهان "تعهدات اصلی" قرارداد را اجرا نکرده است. وزیر [اطلاعات] نیز در تلگراف مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ [پنجم بهمن ماه ۱۳۵۷] خود عدم اجرای قرارداد توسط خواهان را به عنوان دلیل فسخ قرارداد ذکر کرده است. خواننده، ضمن استناد به ادعای عدم اجراء همچنین استدلال می‌کند که با توجه به کیفیت قرارداد و سیاستهای رژیم جدید، ادامه قرارداد پس از انقلاب امکان پذیر نبوده است.

۱۷ - خواهان، همچنین مبلغ ۲۸,۶۷۵/۰۸ دلار آمریکا بابت هزینه مطالبه می‌کند که بنا به اظهار وی بازپرداخت نشده است. خواننده منکر آن است که در قبال هزینه‌های ادعا شده مسئولیتی دارد یا اصلاً آن هزینه‌ها با موافقت وی انجام شده است.

ب - ادعای متقابل

۱۸ - خواننده اظهار می‌دارد که قرارداد بین طرفین علاوه بر فعالیتهای کلی روابط عمومی متضمن کمک به انتشار مجله‌ای با تیراژ بیست تا سی هزار نسخه بود. خواننده فزون براین، مدعی است که وی برای نیل به این مقاصد مبلغ ۱۴۰,۰۰۰ دلار آمریکا به خواهان پرداخت کرد، اما چون خواهان تعهدات خود را انجام نداد، وی طی تلگراف مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ [پنجم بهمن ماه ۱۳۵۷] قرارداد را لغو کرد.

خوانده بازپرداخت مبلغ ۱۴۰،۰۰۰ دلار را به دلیل عدم اجرای قرارداد خواستار است. از آنجا که هم دفاع و هم ادعای متقابل خوانده، بطور یکسان براین نظر مبتنی هستند که خواهان وظایف قراردادی خود را انجام نداده، بنابراین دیوان در بحث مربوط به ماهیت دعوی، ماهیت ادعای متقابل را [نیز] بررسی خواهد کرد. (رجوع شود به بندهای ۲۵ تا ۲۹ زیر)

سوم - موضوعهای شکلی

۱۹ - در تاریخ هشتم اسفند ۱۳۶۲ [۲۷ فوریه ۱۹۸۴] خواهان ضمن ثبت درخواستی برای صدور قرار موقت متذکر گردید که از مقامات ایرانی احضاریه‌ای دریافت کرده که در ۱۴ اسفند ماه ۱۳۶۳ [چهارم مارس ۱۹۸۴] در دادگاه عمومی تهران حضور یابد و به ادعای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بابت خسارات و پرداخت حقوق بیمه‌های اجتماعی مربوط به قرارداد مورد اختلاف در پرونده حاضر، پاسخ دهد. پس از تبادل نظر طرفین، دیوان قرار موقت شماره ۲-۱۰۵۱۳-۴۸ مورخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۶۴ [دهم آوریل ۱۹۸۵] را صادر کرد و ضمن آن از دولت ایران خواست که تا پایان جریان رسیدگی پرونده حاضر در دیوان، دادرسی دادگاه عمومی تهران علیه خواهان را متوقف سازد. به دلیل آنکه دیوان نسبت به ادعا و ادعای متقابل پرونده حاضر (رجوع شود به بندهای ۲۵ و ۲۶ زیر) احراز صلاحیت کرده، این ادعا و ادعای متقابل از تاریخ ثبت در دیوان داوری از حیثه صلاحیت هر دادگاه دیگری از جمله دادگاه عمومی تهران، خارج است و بنابراین ادامه دادرسی در دادگاه تهران فاقد اثر قانونی می‌باشد. رجوع شود به بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی.

چهارم - دلایل حکم

الف - صلاحیت

۲۰ - دیوان برمیبنای مدارک تسلیمی متقاعد شده است که خواهان در تمام مدت ذریبط یک شرکت امریکایی بوده که طبق قوانین ایالت کنه تیکت تا عیس شده و همه ۶ سهام آن به جیمز ا. لینن که تابعیت امریکایی وی به استناد فتوکپی صفحه مربوط از گذرنامه اش به اثبات رسیده، تعلق داشته است.

۲۱ - خوانده کاملاً مشمول تعریفی است که در بند ۳ بند هفت بیانیه حل و فصل دعاوی از ایران به عمل آمده است.

۲۲ - دیوان متقاعد شده است که ادعا طبق شرایط بیانیه حل و فصل دعاوی، "پابرجا" و "مستمر" متعلق به "خواهان" بوده است.

۲۳ - ادعا از نقض ادعایی قرارداد ناشی می شود و لذا حائز شرایط صلاحیتی موضوع دعوی است. بنابراین دیوان متقاعد شده است که صلاحیت رسیدگی به ادعا را دارد.

۲۴ - علاوه براین دیوان متقاعد شده است که ادعای متقابل که در آن بازپرداخت وجوهی مطالبه گردیده که حسب ادعا به موجب همان قراردادی پرداخت شده که ادعا بر آن مبتنی است، در حیطه صلاحیت دیوان داوری قرار دارد.

ب - ماهیت

الف - صورت‌حسابها

۲۵ - دیوان، به عنوان یک موضوع مقدماتی، باید تعیین کند که آیا بررسی روش مطبوعات ایالات متحده در مورد ایران به ترتیبی که خواننده مدعی است، جزیی از برنامه ارتباطات بوده، و یا طرح مستقلی بوده که نخست وزیر انجام آن را [به خواهان] واگذار کرده و آن برنامه قبل از شروع قرارداد برنامه ارتباطات، پایان یافته بود.

۲۶ - دیوان داوری متذکر می‌شود که قرارداد پروژه ارتباطات با پیشنهاد خواهان در نامه مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۸ [پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷] وی آغاز شد. این پیشنهاد طی نامه مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۵۷ [ششم ژوئن ۱۹۷۸] وزیر [اطلاعات] پذیرفته شد (گرچه در قرارداد منعقد شده تاریخ شروع آن اول مه ۱۹۷۸ / ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ ذکر شده است). در همان روز یعنی پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [۲۵ آوریل ۱۹۷۸] که خواهان پیشنهاد خود را فرستاد، بررسی روش مطبوعات ایالات متحده که تکمیل شده بود، به جمشید آموزگار، نخست وزیر، و همایون، وزیر اطلاعات، تسلیم گردید. بعلاوه طبق مدارکی که خواننده تسلیم کرده تاریخ پرداخت مبلغ ۵۰,۰۰۰/- دلار آمریکا، چهارم خرداد ۱۳۵۷ [۲۵ مه ۱۹۷۸] یعنی قبل از انعقاد قرارداد برنامه ارتباطات در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۵۷ [ششم ژوئن ۱۹۷۸]، بوده است. این واقعیات و اشاره صریح به روش مطبوعات آمریکا به عنوان یک پروژه متمایز در نامه‌ای که در این پرونده موجود است، کافی است که دیوان را متقاعد سازد که آن بررسی طبق توافق جداگانه‌ای انجام شده و نخست وزیر انجام آن را برعهده [خواهان] گذاشته بوده است، هر چند ممکن است بررسی مزبور سرآغازی برای قرارداد پروژه ارتباطات بوده باشد. دلیل دیگری که نشان می‌دهد پرداخت مبلغ ۵۰,۰۰۰/- دلار آمریکا به برنامه ۶ دیگری مربوط بوده، اینست که اولین

صورتحساب خواهان که طبق قرارداد پروژه ارتباطات صادر گردیده، به تاریخ ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۷ [هشتم ژوئن ۱۹۷۸] یعنی حدود دو هفته بعد از تاریخی بوده که وزارت اطلاعات مبلغ ۵۰،۰۰۰/- دلار آمریکا را به خواهان پرداخته است. اگر، آنطور که خواننده اظهار می‌دارد، مبلغ ۵۰،۰۰۰/- دلار آمریکا بابت نخستین قسط سه ماهه برطبق قرارداد پروژه ارتباطات بوده، خواننده توضیحی در این مورد نداده که چرا به صدور صورتحساب اول و یا صورتحساب دوم که خواهان در اول اوت ۱۹۷۸ [دهم مرداد ماه ۱۳۵۷] صادر کرده و صریحا" هم در صورتحساب و هم در نامه پیوست آن ذکر شده که مربوط به سه ماهه دوم، یعنی اول اوت ۱۹۷۸ تا ۳۰ اکتبر ۱۹۷۸ [دهم مرداد ماه ۱۳۵۷ الی هشتم آبان ماه ۱۳۵۷] است، اعتراضی نکرده است. همچنین خواننده در لوائح خود یا در جلسه استماع توضیحی در این مورد نداده که اگر پرداخت مبلغ ۵۰،۰۰۰/- دلار آمریکا به قرارداد برنامه ارتباطات مربوط بوده، چرا به آن مبلغ بوده و به مبلغ ۴۵،۰۰۰/- دلار مقرر در قرارداد بابت قسط سه ماهه نبوده است.

۲۷ - دیوان سپس باید تعیین کند که آیا خواننده ادعاهای خود را درباره عدم اجرای قرارداد ثابت کرده است یا نه، تا بدان وسیله پرداخت نکردن صورتحسابهایی را که خواهان برطبق قرارداد تسلیم کرده، توجیه کند و در ارتباط با رسیدگی به ادعای متقابل معلوم کند که آیا خواننده استحقاق بازدریافت مبالغی را که به خواهان پرداخته، دارد یا نه. موضع خواننده هم در رابطه با دفاع خود در ماهیت و هم با ادعای متقابل وی، براین نظر مبتنی است که خواهان وظایف خاص گوناگون مندرج در نامه‌هایی را که که طرفین در آوریل و مه ۱۹۷۸ برای یکدیگر فرستاده‌اند، انجام نداده است. دیوان داوری ملاحظه می‌کند به گونه‌ای که گزارش مربوط به نشستهای ماه ژوئیه در تهران و گزارش تسلیم شده به دکتر سعادت در سپتامبر ۱۹۷۸ حاکی است، طرفین بعد از انعقاد قرارداد، در مورد یکایک پروژه‌ها پیوسته مذاکراتی انجام می‌دادند. تردیدی نیست که ماهیت خدمات خواهان همگام با

افزایش آهنگ رویدادهای انقلابی در ایران در اواخر سال ۱۹۷۸، تغییر یافت. پس از سفر نماینده خواهان به تهران در سپتامبر، که طی آن نامبرده به وزارتخانه مراجعه و گزارش پیشرفت کارش را تا آن تاریخ تسلیم کرد، به نظر می‌رسد که خواهان منحصرًا با مقامات ایرانی در ایالات متحده سروکار داشته و موضوع اصلی قرارداد از پروژه های دراز مدت به دادن نظرات مشورتی و کمک روزمره به سفارت ایران در واشنگتن تبدیل شده است. دیوان به غیرعملی بودن آشکار ادامه پروژه های دراز مدت به ترتیبی که بدواً در قرارداد پیش بینی شده بود، در شرایط نامطمئن اواخر سال ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹ توجه دارد. عامل دیگری که نمایانگر این قصد طرفین است که قرارداد بین آنها می‌توانسته خدمات گوناگونی را در برگیرد، وجود قرار و مدار برسبیل پرداخت مبلغی مستمر و ثابت، به جای حق‌الزحمه‌ای معین برای برنامه‌ای مشخص است. دیوان داوری متقاعد شده است که علی‌رغم تغییر موضوع اصلی قرارداد، خدمات انجام شده در حیطه شمول قرارداد بوده و خواهان استحقاق دریافت حق‌الزحمه طبق شرایط قرارداد را دارد.

۲۸ - مسأله بعدی این است که آیا خواهان استحقاق دریافت حق‌الزحمه تا پایان نخستین دوره یکساله قرارداد را دارد یا اینکه حوادث غیرمترقبه، موجب پایان یافتن پیش‌رس قرارداد گردیده است. دیوان ملاحظه می‌کند که در شرایط صریح قرارداد، ختم آن قبل از انقضای دوره یکساله پیش‌بینی نشده است. با اینهمه روشن است که در اوضاع و احوال این پرونده خاص، با توجه به کیفیت خدماتی که قرار بود خواهان انجام دهد و این خدمات به نحوی ناگسستنی به اعتلای وجهه عمومی ایران [در دوران] سلسله پهلوی، در ایالات متحده مربوط می‌شد، پیروزی انقلاب اسلامی منظور اصلی قرارداد را منتفی کرد. دیوان معتقد است که قرارداد باید در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۳۱ ژانویه ۱۹۷۹] که حد وسط بین تاریخ رفتن شاه از ایران و استقرار جمهوری اسلامی است، فسخ شده تلقی شود. بنابراین خواهان حق دریافت حق‌الزحمه تا آن تاریخ را دارد که عبارت است مبلغ ۴۵،۰۰۰ دلار آمریکا

بابت حق الزحمه سه ماه (یعنی دوره‌ای که مشمول صورتحساب سه ماهه سوم می‌شود) که در حکم دیوان منظور می‌گردد.

۲۹ - به دلایل مندرج در بند ۲۷، دیوان داوری متقاعد شده است که ادعای متقابل خواننده که بر عدم اجرای ادعایی قرارداد توسط خواهان، مبتنی است باید رد شود.

ب - هزینه ها

۳۰ - در قرارداد مقرر شده که "هزینه هایی نظیر هزینه سفر، تلفن، تلکس و پذیرایی که خواهان از جیب خود می پرداخته"، به وی بازپرداخت شود. قرار بود که بابت این هزینه‌ها به طور سه ماهه صورتحساب داده شود، اما، برخلاف صورتحسابهای مربوط به حق الزحمه، این صورتحسابها می‌بایستی برای سه ماهه قبل صادر شود و بدون موافقت خواننده، از ۷۵,۰۰۰/ دلار امریکا در سال تجاوز نکند.

۳۱ - خواهان می خواهد که مبلغ ۱۲,۶۳۷/۶۴ دلار امریکا بابت هزینه های سفر و هزینه‌های مربوط و مبلغ ۱۶,۰۳۷/۴۴ دلار امریکا بابت استخدام مشاوران مستقل که جمعا^۶ به ۲۸,۶۷۵/۰۸ دلار امریکا بالغ می شود، به وی بازپرداخت شود.

۳۲ - در مورد هزینه های استخدام مشاوران مستقل، خواهان دیوان را متقاعد نکرده است که شرایط صریح قرارداد هزینه‌های استفاده از خدمات تخصصی مستقل جهت انجام تحقیقات و نوشته‌های خلاق را در بر می گرفته است. دیوان معتقد است که این هزینه به خدماتی مربوط می‌شود که باید برطبق قرارداد انجام می‌گرفت و بابت آن، خواهان حق الزحمه^۶ خود را دریافت کرده و [بنابراین] هزینه‌ای قابل بازپرداخت نمی‌باشد. از این رو، این بخش از ادعا رد می‌شود.

۳۳ - در مورد هزینه‌های مربوط به سفر، دیوان ملاحظه می‌کند که بنا به اقرار خواهان مبلغ ۲،۶۰۱/۸۹ دلار آمریکا از ۱۲،۶۳۷/۶۴ دلار ادعا شده، قبل از انعقاد قرارداد، یعنی بین آوریل و اوایل ژوئن ۱۹۷۸، انجام گرفته است. دیوان نتیجه می‌گیرد که این هزینه‌های قبل از قرارداد، علی‌رغم اینکه شروع مدت قرارداد به ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ [اول مه ۱۹۷۸] برمی‌گردد، ممکن است در جریان تحصیل قرارداد انجام شده باشد، اما مسلماً "هزینه‌هایی نبوده که ضمن اجرای قرارداد انجام شده است، از اینرو این بخش از ادعا رد می‌شود.

۳۴ - اما از نظر دیوان، بقیه مبلغی که بابت هزینه‌های سفر ادعا شده، یعنی مبلغ ۱۰،۰۳۵/۷۵ دلار آمریکا که هزینه‌های سفر و سایر هزینه‌های مجاز از اواسط ژوئن ۱۹۷۸ تا پایان نوامبر ۱۹۷۸ را در برمی‌گیرد، به اندازه کافی با اوراق هزینه که خواهان تسلیم کرده، ثابت شده است. این مدارک حاکی از انجام بیش از ده سفر به واشنگتن و دو سفر به تهران است. از آنجا که این هزینه‌های مورد مطالبه، برحسب ظاهر معقول است و از این نظر مورد ایراد خوانده واقع نشده و از سقف ۷۵،۰۰۰ دلار سالانه بسیار پائین‌تر است، دیوان متقاعد گردیده که آن هزینه بدرستی ادعا شده است. از این رو، مبلغ ۱۰،۰۳۵/۷۵ دلار آمریکا در حکم منظور می‌کند.

پنجم - بهره

۳۵ - دیوان براین نظر است که خواهان حق دارد بهره مبلغ ۴۵،۰۰۰ دلار آمریکا را به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال از تاریخ دهم آذر ماه ۱۳۵۷ [اول دسامبر ۱۹۷۸] یعنی یک ماه پس از تاریخ صدور صورتحسابی که دیوان آنرا پرداخت نشده، یافته (رجوع شود به بند ۲۸ بالا) دریافت کند. در مورد هزینه‌ها، دیوان متذکر می‌شود که اختلافی نیست که خواهان صورتحساب‌های هزینه‌های خود را قبل از ثبت ادعای

حاضر تسلیم نکرده است. از اینرو، دیوان به پرداخت بهره مبلغ حکم، یعنی ۱۰،۰۳۵/۷۵ دلار آمریکا به نرخ ۹ درصد در سال، از ۲۹ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] یعنی تاریخ ثبت ادعا در دیوان، حکم می‌دهد.

ششم - هزینه ها

۳۶ - هر یک از طرفین باید هزینه های داوری خود را برعهده گیرد.

هفتم - حکم

۳۷ - بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف) خواننده، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، متعهد است مبلغ پنجاه و پنج هزار و سی و پنج دلار آمریکا و هفتاد و پنج سنت (۵۵،۰۳۵/۷۵ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده بر مبلغ ۴۵،۰۰۰ دلار آمریکا به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از دهم آذر ماه ۱۳۵۷ [اول دسامبر ۱۹۷۸] و بابت مبلغ ۱۰،۰۳۵/۷۵ دلار آمریکا به نرخ ۹ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به خواهان لینن فورتینبری اند اسوشییتس اینک، بپردازد.

ب) این تعهد با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی

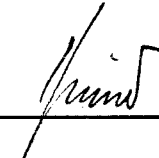
الجزایر ایفاء خواهد شد.

(ج) ادعای متقابل خوانده رد می شود.

(د) هر یک از طرفین باید هزینه های داوری خود را به عهده گیرد.

(ه) بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

لاهور، به تاریخ ۷ تیرماه ۱۳۶۷ برابر با ۲۸ ژوئن ۱۹۸۸

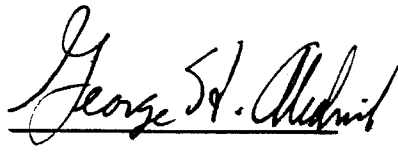


روبرت برینر
رئیس شعبه دو

به نام خدا



سید خلیل خلیان
نظر مخالف



جرج اچ. آلدريج